

و جمع شاکردان پیش وی حاضر بودند که ناکه عقرب بزرگ
 در میان آن جمع پیدا شد شاکردان قصد کردند تا آنرا بکشند
 و استاد فرمود که او را نگاه کنید پس پای خود در پیش آن عقرب
 نهاد پس زخمی بر پشت پای آن عالم زد و در حال عقرب
 پس آن عالم بتائی فرمود که ای بلبلت ندانستی که زهر و
 از زهر تو یسی نیز تراست تا بدانی که غیبت علما کورن زهر
 قاتلاست پس هر کس که غیبت ایشان کند در هلاک خود میکو
و دیگر آورده اند که اگر کسی همه استحقاق را گوید که کفشل
 فلان عالم است کافر شود **و در نقل** درست آمد که یکی از اهل
 کشف بر در مسجدی میگذشت ابلیس را دید که پای اندران
 مسجد می نهاد و بیرون می آمد پس آن مرد درین فرمود که ای
 لعین ازین مسجد چه میطلبی پس شیطان گفت زاهدی درین
 نماز است و عالم در خواب است من قصد آن زاهد می کنم
 هیت که عالم مرا نمیکند دارد پس پرسید که ای لعین این
 از چیست گفت آن عالم خواب از سر علم میکند و او نماز را

نادانی

نادانی اینست که فرمود صلوات الله علیه که **نوم العالم خیر**
من عبادة الجاهل پس سبب یاد کرد که خور از تار یکی
 جهل بر و شنای علم آوردند و ازینست که طلب علم بر همه
 فرض کورد اینده تا عاقلان و زبیرکان این بدانند که **خیر**
 این همه کتاب که فرو فرستاد از برای کاری فرستاده و هر
 بنیانی مختلف پس زبان هر طایفه بر آن لغت کوراند و طلب
 علم و دانستن کتاب با ایشان از ذاتی فرمود تا بر ایشان آسان
 شود و جد خودشان میباید کرد و چندان تحصیل علم کنند
 و گویند که همکس از ما عالمتر نمی آید بلکه طبیعت و بشریت
 در مکر کورست و بغفلت کورانند و هیچ کاری نکرد و اوسعی
 و خون چکر و درود چراغ خودد چنانچه فرموده که
و ان الله اخراجکم من بطون امهاتکم لانهلمون شیئا
 یعنی حق تعالی شما را بیرون آورد از شکمهای مادران شما را در حالتی
 که هیچ نمی دانستید پس بدایم شما را گوش نشنوا و چشم بینا
 و دلهای دانا تا مگر شما شکری کنید چون این همه نعمت کرامت

نادانی